نگاه آسیب شناسانه به رویکرد نقاشی دیواری دفاع مقدس و ترسیم چهره شهدا در گفت وگو با هنرمندان

چهره‌های مقاومت در نمایشگاه دائمی شهر

گزارش ویژه

الهام ظریفیان

اگر بگوییم دفاع مقدس بیشترین تأثیر را بر رشد و بالندگی هنری مانند نقاشی‌دیواری در شهرها گذاشته است، شاید چندان بیراه نباشد. تا پیش از آن در حافظه جمعی مردم به جز دیوارنگاری های محدود شامل شعارهای انقلابی و ترسیم چهره های انقلابی با کلیشه آن‌هم نه بر دیوارهای مرتفع، تصویر ماندگار دیگری از یک هنر جهانی که با نام نقاشی‌دیواری شناخته می‌شود، وجود نداشت. اما هشت سال دفاع مقدس علاوه بر آنکه سوژه‌های بسیاری را برای خلق آثار هنری بسیاری در ادبیات، شعر و سینما فراهم کرد، در نقاشی‌دیواری نیز شاخه جدیدی به نام «نقاشی‌دیواری شهدا» را پدید آورد که به‌علت ابعاد وسیع و امکان نمایش دائم آثار، توجه مخاطبان زیادی از تمام گروه‌های مردمی را به خود جلب کرد. در گزارش زیر به سراغ سه هنرمند شناخته‌شده نقاشی‌دیواری شهرمان رفته‌ایم و درباره وضعیت نقاشی‌دیواری با محوریت دفاع مقدس پرسیده‌ایم.

نمایی از چند نقاشی‌دیواری با محوریت سرداران شهید در مشهد

شکل‌گیری و گسترش هنر نقاشی‌دیواری در مشهد

نقاشی دیواری با موضوع شهدا و دفاع مقدس از همان سال‌های آغازین دفاع شکل گرفت اما اوج آن در مشهد از سال ۷۵ شروع شد. پیش از آن شاهد نقاشی‌های دیواری بودیم که ابعاد و کیفیت اجرای آن‌ها ضعیف‌تر بود و با استفاده از حداقل امکانات و به‌همت هنرمندان جوان انقلابی‌ای ترسیم می‌شد که این کار را وظیفه خودشان می‌دانستند. نقاشی‌هایی که آن‌ها بر دیوارهای شهر ترسیم می کردند، درواقع هنر منفردی به نام نقاشی‌دیواری نبود و مجموعه‌ای از تصاویر نقش‌بسته با کلیشه، پیام‌های مهم حضرت امام‌خمینی(ره) و مسئولان و شعارهای انقلابی محسوب می‌شد. از سال ۷۵ اجرای نقاشی‌هایی با هدف زنده‌نگه داشتن یاد شهدا و ارزش‌های دفاع مقدس و با الهام از کارهایی که یکی دو سال قبل در تهران شروع شده بود، در مشهد شدت گرفت. در آن سال‌ها برای اولین‌بار نقاشی چهره تعدادی از سرداران مشهدی ازجمله شهیدان محمود کاوه، عبدالحسین برونسی و ولی ا.. چراغچی به تصویر کشیده شد. نقاشی‌های معدودی با موضوع دفاع‌مقدس نیز در پمپ‌بنزین خسروی و میدان استقلال به اجرا درآمد. این آثار به‌شدت با استقبال مردمی که تشنه دیدن چهره شهدا بودند، روبه‌رو شد و راه را برای ترسیم چهره‌های بیشتری بر دیوارهای شهر هموار کرد.

غلبه عناصر کلیشـــه در نقاشی‌دیواری شهدا

بعضی عناصر در دیوارنگاری شهدا در آن سال‌ها شاخص‌تر بود. این عناصر سعی می کردند مفاهیم ایدئولوژیکی مانند ایثار، شهادت، رشادت و دفاع از وطن را نشان دهند و آن‌ها را می‌توان در تمام آثاری که در هنگام جنگ و قبل از پایان آن تا ۱۰ سال گذشته بر دیوارهای شهر نقش بسته بود، دید. تصاویری مانند غروب آفتاب، نخل، گل لاله و پرندگان، کلیشه‌هایی بود که در این چند سال تکرار می‌شد و مردم با آن‌ها آشنا بودند. در این دوره، طراحی چندان نقش پررنگی در نقاشی‌دیواری نداشت و این خود نقاشان بودند که هم طرح می‌زدند و هم کار را اجرا می کردند. نقاشانی که بیشتر آن‌ها خودآموخته و تجربی بودند و تحصیلات آکادمیک در نقاشی نداشتند، این مسیر مشخص را می‌رفتند و همان کلیشه‌ها را دنبال می کردند. اما در ۱۰ سال اخیر، مسیر جدیدی در هنر نقاشی‌دیواری آغاز شده است که منشأ آن شهرداری تهران بوده است. این سازمان در فراخوان‌های خود، به سمت پررنگ‌تر کردن نقش طراحی در نقاشی‌دیواری رفت. با شکل‌گیری امور هنری در شهرداری مشهد در دهه ۸۰، این تغییرات به مشهد هم رسید. این اداره سازوکاری برای نقاشی‌دیواری تعیین کرد و از استادان دانشگاه به‌عنوان داور و ارزیاب بهره برد. در سال ۸۷ چهره شهید منفرد را حمید هنرمند بر میدان امام‌رضا نقاشی کرد و سال بعد نقاشی‌دیواری با نام «لبخند یک رزمنده» را احمد منصوب بر دیواری از خیابان فلسطین ۱۴ نقش زد. در ادامه، چهره سرداران شهید دیگری یکی‌یکی بر دیوارهای شهر نقش بست، چنان که از سال ۸۷ تا سال ۱۴۰۰ بر ۷۳ مکان یا دیوار، چهره ۲۵۹ شهید با تکنیک‌های نقاشی‌دیواری، نقش‌برجسته سفالی و فلزی و چاپ کاشی، خودنمایی می کرد. با اینکه نتیجه آن تولید کارهایی جدید بود، هنوز هم در بیشتر آثار نگاه سطحی به شهدا با بهره‌گیری از عناصر تزیینی کلیشه‌ای غالب بود و طرح‌ها و اجراها مخاطب را راضی نمی کرد. در بیشتر این آثار از خلاقیت در ترکیب‌بندی و نگاه هنری کمتر استفاده شده بود. گویی باید هرچه سریع‌تر چهره تعداد زیادی از شهدا کشیده می‌شد.

احمد منصوب: اگر هنرمند نقاشی‌دیواری که در این زمینه کار می‌کند، عاشق این فرهنگ نباشد و با جان و دل به میدان نیاید، موفق نخواهد بود و پس زده می‌شود

عمار سالخورده‌حقیقی: نقاشی‌دیواری شهدا اگر قرار باشد پرتره کار نشود، باید بتواند فضای نویی را ایجاد کند. کار آسانی نیست که نقاشی دفاع مقدس را بدون پرتره شهدا انجام دهیم و از کلیشه‌ها دوری کنیم

زمان تغییر رویکردها در نقاشی‌دیواری رسیده است

حالا و بعد از گذشت بیش از سه دهه از پایان جنگ تحمیلی و در شرایطی که نسل جدید در همه عرصه‌ها سعی می کند با نگاهی نو به بسیاری از مفاهیم، بازخوانی خودش را از اتفاقات و جریانات جامعه نشان دهد، بسیاری از هنرمندان نقاشی‌دیواری بر این باورند که بار دیگر زمان تغییر رسیده است. مخاطب جوان امروز شاید مانند نسل جنگ، تشنه دیدن چهره سرداران جنگ بر دیوارهای شهر نباشد؛ چراکه فضای مجازی، بسیاری از چهره‌ها را برای او آشنا کرده‌اند. اما این تغییر چگونه باید باشد؟

احمد منصوری نژاد معروف به منصوب، هنرمند پیشکسوت نقاشی‌دیواری در مشهد، درباره لزوم تغییر رویکردها در هنر نقاشی‌دیواری در جامعه امروز می‌گوید: از نظر زمانی به این نقطه رسیده‌ایم که باید در نقاشی‌دیواری روایت کنیم. با حمایت مسئولان، کار به سمتی باید برود که نقاشان به نمادهایی که به تکرار و کلیشه رسیده‌است، بسنده نکنند و آثاری خلق کنند که وقتی بیننده چشمش به آن‌ها می‌افتد، متوجه شود شهید چطور عمل کرده، چه ویژگی‌هایی در او برجسته بوده و دلیل اینکه نقاشی او را کشیده‌اند، چه بوده است. این کار مستلزم آن است که نقاش برای مرحله طراحی وقت بگذارد، تحقیق کند و نقاط عطف زندگی شهید را دربیاورد. مسئولان هم برای انتخاب هنرمند توانمند و پشتیبانی مالی از این آثار، همت بیشتری به خرج دهند تا هنرمند بتواند ذهنش را متمرکز کند. او ادامه می‌دهد: نقاشی‌دیواری کشیدن در حوزه دفاع مقدس، کار سختی است و خیلی‌ها حاضر نیستند تن به این سختی بدهند و ترجیح می‌دهند گل و بلبل بکشند و خودشان را به دردسر نیندازند. فائق آمدن بر سختی‌ها چیزی را می‌طلبد که من اسمش را دل و عشق می‌گذارم. اگر این کار دلی و آسمانی انجام نگیرد، سختی‌ها بر کار غلبه می‌کند و نتیجه کار خوب از آب درنمی‌آید. هنرمند برجسته دفاع مقدس یادآوری می‌کند: اگر هنرمند نقاشی‌دیواری که در این زمینه کار می‌کند، عاشق این فرهنگ نباشد و با جان و دل به میدان نیاید، موفق نخواهد بود و پس زده می‌شود. بودند کسانی که آمدند و یکی‌دو کار انجام دادند ولی بعد آن را کنار گذاشتند و ازعهده انجامش برنیامدند.

دست هنرمند باز باشد، نتیجه بهتر درمی‌آید

موسی الرضا نظام دوست، دیگر هنرمند پیشکسوت نقاشی دیواری مشهد، نیز می گوید: سال‌های سال است که به تکرار و کلیشه افتاده‌ایم. به‌تازگی حرکت‌هایی انجام شده است، مانند ترفندهای رنگی و کارهای گرافیکی که تغییر و تحولی ایجاد کرده‌اند ولی کافی نیست. نیازمند ایده‌پردازی قوی‌تری هستیم. تنوع، حرف اول را همیشه در هر چیز می‌زند. هرچیزی را که به‌تکرار بیفتد، مردم نمی‌پذیرند. لازم است همگام با رشد عقلانی جامعه به‌ویژه در جوان‌های الان که نسبت به جوان‌های قبل با درک بیشتری به موضوعات نگاه می‌کنند، پیش برویم. مداحی‌ها را هم اگر نگاه کنید، می‌بینید نسبت به قدیم خیلی فرق کرده‌اند. اما در این حوزه کم کاری شده است. هنرمندان قوی‌ای داریم که از حضور آن‌ها کمتر استفاده شده است.

موسی الرضا نظام دوست: سال‌های سال است که به تکرار و کلیشه افتاده‌ایم. به‌تازگی حرکت‌هایی انجام شده است، مانند ترفندهای رنگی و کارهای گرافیکی که تغییر و تحولی ایجاد کرده‌اند ولی کافی نیست. نیازمند ایده‌پردازی قوی‌تری هستیم

او ادامه می‌دهد: اگر دست هنرمند باز باشد که دغدغه خودش را اجرا کند، نتیجه کار بهتر از آب درمی‌آید. گاهی به ما می‌گویند این طرح خاص را اجرا کن، درحالی که ممکن است سوژه ضعیف باشد و تأثیر کمی بر مخاطب بگذارد. حتی بعضی کارها آن‌قدر ضعیف است که ضدتبلیغ می‌شود. گاهی طرح اولیه یک چیز است و وقتی اجرا می‌شود، نتیجه دیگری به‌دست می‌آید؛ دلیلش این است که هنرمند در حین اجرا تشخیص می‌دهد. اگر دست هنرمند را باز بگذارند، بهترین کار را انجام می‌دهد.

دیوارنگاری شهدا فقط به معنی چهره نگاری نیست

عمار سالخورده‌حقیقی، دیگر هنرمند مشهدی که بیش از شش سال است در حوزه نقاشی‌دیواری شهدا کار می کند، نیز می گوید: تکرار مکررات، خسته کننده است. مردم طرح‌های جدید با رنگ‌های متفاوت می‌خواهند. نقاشی‌دیواری اول از همه باید با محیط اطرافش ارتباط برقرار کند و با بنا و بافت فکری و فرهنگی منطقه، مطابقت داشته باشد. ولی متاسفانه طراحان ما طرح می‌زنند بدون اینکه بدانند طرح در کدام منطقه و در چه بافت فرهنگی اجرا می‌شود، حتی خیلی از طراحان، دیوار را نمی‌بینند و به عکس دیوار بسنده می کنند. طراحی که از تهران در فراخوان شرکت می کند، هیچ آگاهی از محله طلاب مشهد ندارد، درحالی که او باید در آن منطقه گشت بزند و مردم را بشناسد. متاسفانه خیلی‌وقت‌ها طرح‌هایی زده می‌شود که وقتی مجریان برای اجرایش می‌روند، عزا می گیرند که چطور جواب مردم را بدهند.

او می‌افزاید: در مشهد تلاش شد این کلیشه‌ها کنار گذاشته شود ولی کسی نتوانست چیز دیگری جای آن‌ها بگذارد؛ چون سفارش‌دهنده ایدئولوژیک نگاه می کند. برای نمونه پیش از این گل لاله می‌گذاشتند و الان برای پیروی نکردن از کلیشه، گل محمدی می کشند. با اینکه ساختار کلی، ترکیب‌بندی و رنگ‌بندی‌ها بهتر شده است، مسئله اصلی هنوز سرجای خودش باقی است؛ چون هنوز نتوانسته‌اند طرحی را ارائه کنند که مردم بپسندند.

حقیقی تاکید می کند: دیوارنگاری شهدا فقط به معنی چهره‌نگاری نیست و می‌توان به آثار موضوعی هم فکر کرد. ولی باید نگاه سفارش‌دهنده را عوض کرد. سفارش‌ها همیشه حول پرتره یک شخصیت بوده‌اند. نقاشی‌دیواری شهدا اگر قرار باشد پرتره کار نشود، باید بتواند فضای نویی را ایجاد کند. کار آسانی نیست که نقاشی دفاع مقدس را بدون پرتره شهدا انجام دهیم و از کلیشه‌ها دوری کنیم.

وی با تاکید بر ضرورت ایجاد مطالبه مردمی در این‌باره می گوید: الان این مطالبه صرفا از سمت نهادها وجود دارد. برای ایجاد مطالبه مردمی باید جذابیت بصری بیشتری در کارها ایجاد کنیم؛ یعنی یک نقاشی‌دیواری فقط پرتره نباشد، بلکه از محیط اطرافش و عناصر بصری به‌گونه‌ای جذاب استفاده کند. مردم برای کسانی که برای وطن خودشان فداکاری کرده‌اند، احترام زیادی قائل هستند، ولی دل مشغولی‌هایشان در این روزها زیاد است و ما باید به آن‌ها کمک کنیم تا بتوانند بیشتر با این کارها ارتباط برقرار کنند. این موضوع به طراح و مجری برمی گردد که چقدر نگاه خلاقانه داشته باشد و اینکه چقدر با اجتماع در ارتباط باشد. خیلی از طراح‌های ما از آتلیه‌شان بیرون نمی‌آیند، درحالی که دیوارنگار کسی است که همیشه با مردم در ارتباط است.

علی مسافری، رئیس اداره هنری شهرداری مشهد تاکید کرد

آثار نقاشی‌دیواری روایی در شهر نقش می‌بندند

گفت وگو

ظریفیان

رئیس اداره هنری و تبلیغات فرهنگی معاونت فرهنگی وهنری شهرداری مشهد با پذیرفتن انتقادها و دیدگاه‌های هنرمندان درباره لزوم تغییر رویکرد در نقاشی‌دیواری، از ترسیم چهره به‌سمت روایت، می گوید: به باور ما، نقاشی‌دیواری بستر مناسبی برای پرداختن به موضوع ایثار و شهادت است و دست هنرمند در پرداخت این موضوعات بازتر است. ولی در طول سال‌های گذشته، متاسفانه از این ظرفیت برای پرداخت روایت‌گونه از ایثار و شهادت استفاده نشده و معمولا به ترسیم چهره شهدا بسنده شده است. این نقد را قبول داریم که می‌شود از این فرصت و قالب هنری استفاده بهتری کرد و جذاب‌تر به این موضوع نگاه کرد. تلاش‌ها برای تغییر رویکرد در این زمینه را آغاز کرده‌ایم.

علی مسافری می‌افزاید: برای شروع سعی کردیم به نقاشی‌های دیواری شهدا تنوع بدهیم؛ برای مثال شهدای ترور، شهدای هسته‌ای، دفاع مقدس، مدافع حرم، انقلاب و مجموعه‌ای از شهدا را ببینیم؛ چون امکان روایت‌های متعددی را به ما خواهد داد. این اتفاق در فراخوان امسال «روشنای شهر۵» رخ داده است و در سال‌های بعد نیز بی‌شک یکی از آیتم‌های اصلی، ارزیابی ما خواهد بود. اما هنرمندان هم باید بتوانند خودشان را به این نگاه نزدیک کنند و در موضوع شهادت صرفا به ترسیم چهره شهید بسنده نکنند.

به طور معمول در سال بر روی ۱۵ تا ۲۰ دیوار سطح یک نقاشی می‌کشیم که معمولا ۱۰ تا ۱۲ دیوار مربوط به شهدا هستند

۱۵ تا ۲۰ نقاشی‌دیواری در سال

او تاکید می کند: البته این رویکرد برای ما چالش هم ایجاد می کند. مقاومت هنرمندانی که در سبک‌های سنتی‌تر کار می کنند و اتفاقا افراد توانمندی هم هستند، کار را کندتر می کند. آن‌ها هم باید خودشان را به روز کنند. اگر این اتفاق نیفتد، باعث می‌شود نتوانیم از ظرفیت این هنرمندان بهره‌مند شویم. این تغییر باید به‌آهستگی رخ دهد.

مسئول اداره هنری مشهد با بیان اینکه معمولا در طول سال، دوبار فراخوان برای نقاشی‌دیواری روی دیوارهای سطح یک را اداره هنری شهرداری مشهد منتشر می کند، می گوید: نکته این است که تعداد دیوارهای مناسب در شهر کم شده‌اند. دیوار مناسب، دیواری است که منظر شهری داشته باشد؛ یعنی یک بخش آن خالی و مشرف به عابر و خیابان باشد. خیلی از آپارتمان‌های جدید در دل بافت‌های مسکونی ساخته می‌شوند و دیواری برای کار ندارند؛ برای مثال در محدوده الهیه، تعداد زیادی آپارتمان نوساز در قالب مجتمع می‌بینید که فقط یک وجه آن‌ها قابلیت کار دارد، بنابراین دیوار مناسب کم است و برای همان تعداد موجود هم باید رضایت مالکان را بگیریم.

او می‌افزاید: به‌طور معمول در سال بر روی ۱۵ تا ۲۰ دیوار سطح یک نقاشی می کشیم که معمولا ۱۰ تا ۱۲ دیوار مربوط به شهدا هستند.

فراخوان نقاشی برای دیوارهای مدارس، بوستان‌ها و مساجد

مسافری همچنین با اشاره به لزوم ترمیم برخی آثار نقاشی‌دیواری قدیمی می گوید: دیوارهایی که نقاشی‌های قدیمی دارند، دو دسته‌اند؛ آن‌هایی که از ابتدا طراحی خوبی داشته‌اند و برای مردم خاطره‌انگیز شده‌اند و بازپیرایی و اجرای مجدد طرح نقش بسته بر آن‌ها می‌تواند جذاب باشد. بعضی دیوارها هم هستند که تکنیک کار و موضوعاتشان، باید به‌روز شده، اثر جدیدی خلق شود. در همین راستا تا پایان امسال سه نقاشی‌دیواری شهدا را در صورت همراهی خود هنرمند، ترمیم و دو نقاشی دیواری قدیمی را نیز بازطراحی خواهیم کرد.

رئیس اداره هنری شهرداری مشهد در پایان بیان می کند: برای دیوارهای سطح ۲ و ۳ که دیوارهای کوتاه مدارس، بوستان‌ها و مساجد هستند، نیز فراخوان نقاشی‌دیواری داده‌ایم. ۶۵۰ طرح ارسال شده که داوری‌شان تمام شده است و طرح‌های برگزیده به‌زودی برای شروع به کار اعلام می‌شوند.

در موضوع نقاشی‌دیواری شهدا نیز فراخوان روشنای شهر۵ را منتشر کرده‌ایم. ۱۳۰ طرح ارسال شده است که از بین آن‌ها ۱۰ طرح را انتخاب کرده‌ایم و نام آن‌ها در همین هفته اعلام خواهد شد و تا پیش از سال به بهره‌برداری خواهند رسید.

اخبار هنرمندان

یادداشتی از جلیل فرجاد برای انوشیروان ارجمند

او هر شب «خورشید کاروان» را می‌بیند

نمایش «خورشید کاروان»، به کارگردانی محمود فرهنگ، این روزها در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی روی صحنه است. جلیل فرجاد، بازیگر باسابقه تئاتر، سینما و تلویزیون که چندسالی است در نبود زنده‌یاد انوشیروان ارجمند، عهده‌دار نقش راهب در نمایش «خورشید کاروان» شده است، در یادداشتی به بهانه سی‌ویکمین سال اجرای این اثر نوشت: «حدود ۱۰ سال پیش به پیشنهاد مهدی متوسلی برای بازی در «خورشید کاروان» دعوت شدم. همان لحظه در دل گفتم مگر انوشیروان ارجمند نیست؟ جویای احوال انوشیروان ارجمند، بازیگر راهب ۱۴ سال این نمایش شدم. فهمیدم کسالتی دارد و در بیمارستان است. شب اول اجرا در برج میلاد تهران، قبل از نمایش به عیادت انوشیروان رفتم. کسب اجازه کردم برای بازی در نقش راهب، اما او بهوش نبود. در بیمارستان، بهار و برزو، فرزندان انوشیروان عزیز، از من خواستند در نمایش مخصوصا در صحنه نجوا با سر مبارک امام‌حسین(ع) پدرشان را دعا کنم. اجرا تمام شد. دیدم همه ناراحتند اما متوجه موضوع نشده بودم. مهدی متوسلی، نویسنده نمایش، آرام‌آرام به من گفت انوشیروان ارجمند آسمانی شد. ترس و غمی از نبودن انوشیروان در دلم آمد. برای بازی در «خورشید کاروان» نذر کردم که در ایفای این نقش موفق باشم و با اعتقادات مردم بازی نکنم؛ همانند انوشیروان ارجمند، که خدا را شاکرم تا این لحظه با کمک همه عزیزان در این امر سربلند بوده‌ام. ما هر شب با یاد انوشیروان ارجمند روی صحنه می‌رویم و می‌دانم او ما را می‌بیند.»

حامد وکیلی در برنامه «نشان ارادت»:

امام‌رضا(ع) مرا نجات داد

حامد وکیلی، بازیگر خراسانی تئاتر و تلویزیون، در برنامه «نشان ارادت» از علاقه خود به امام‌حسین(ع) گفت. او در ابتدای برنامه، درباره اولین مواجهه خود با امام‌حسین(ع) گفت: من اهل شهرستان تربت حیدریه هستم که فاصله یک ساعته تا مشهد دارد. ایام محرم در آنجا خیلی ایام خاصی بود. یکی از لحظات جذاب زندگی من، زمان‌هایی بود که چند روز قبل از دهه محرم به استقبال می‌رفتیم و پدرم لباس‌های مشکی را تنمان می‌کرد. وکیلی درمورد اینکه در میان اهل‌بیت بیشتر به کدام یک متوسل می‌شود، گفت: من تمام اهل‌بیت(ع) را دوست دارم اما به‌دلیل نزدیکی به امام‌رضا(ع)، خیلی اتفاقات عجیب‌وغریب در زندگی‌ام افتاده و خیلی جاها امام‌رضا(ع) من را نجات داده است. یک اتفاق در جایی به اشتباه برایم رقم خورد که می‌توانست کل زندگی‌ام را تحت‌تأثیر قرار بدهد و چند ماه زمان می‌برد تا بتوانم ثابت کنم. دهه اول محرم بود که امام‌رضا(ع) را به امام‌جواد(ع) قسم دادم و گفتم اگر مشکلم حل نشود، دیگر به حرمت نمی‌آیم. الان که با خودم فکر می‌کنم، می‌گویم اگر تو نروی، چه می‌شود؟ مگر از امام‌رضا(ع) طلبکار هستی؟ بعد از این ماجرا هم مادرم گفت سر نماز به امام‌رضا(ع) گفتم پسرم، مشکلی برایش پیش آمده است که حل آن را در مشهد از شما می‌خواهم. من در کرج این اتفاق برایم افتاده بود و به شکل عجیبی مشکلم حل شد و صبح روز بعد در مشهد درکنار مادرم بودم. وکیلی در پاسخ به اینکه اگر قرار باشد نقش یکی از شخصیت‌های واقعه کربلا را بازی کند دوست دارد چه نقشی باشد، گفت: شخصیت وهب نصرانی، خیلی برایم جذاب است. او شب قبل از واقعه عاشورا ازدواج می‌کند و به‌همراه همسر و مادرش به کربلا می‌آید که در وسط راه با امام‌حسین(ع) روبه‌رو می‌شود.

محمدجعفر خسروی، مجری مشهدی تلویزیون:

نگذارید دفاع مقدس فراموش شود

محمدجعفر خسروی درباره اجرا و ساخت برنامه «جان‌وتن» گفت: خاطرات دفاع مقدس نیاز به روایت درست دارد و ما در این برنامه بدون هیچ مبالغه‌ای همین کار را کردیم. این هشدار واقعی است که شکلی از فراموشی مفاهیم دفاع مقدس، تهدیدمان می‌کند. برنامه ترکیبی «جان‌وتن» چند روزی است از شبکه ۳ سیما پخش می‌شود؛ برنامه‌ای که محصول مرکز مستند سوره و مرکز هنری رسانه‌ای نهضت است و ویژه هفته دفاع مقدس آماده شده است و با قهرمانانی گفت‌وگو می‌کند که افرادی معمولی‌اند و به قصه‌های ناگفته و برآمده از دل مردم درباره جنگ می‌پردازد. فرم این برنامه ترکیبی در رفت‌وبرگشت میان داخل و خارج از استودیو شکل می‌گیرد. بخشی از این برنامه را راوی اصلی، در داخل استودیو روایت می‌کند و هم‌زمان بخش‌های دیگر قصه در قالب مستند بازسازی‌شده برای مخاطب به تصویر کشیده می‌شود.